

سنگ مفت، حرف مفت!

هرکسی از ظن خودش یار لیگ!



شهرام شهیدی
طنز نویس

این روزها موضوع تعطیل شدن لیگ برتر فوتبال به علت کرونا یا ادامه دادن آن بحث روز جامعه ورزشی است. خطوط تلفن شهرنگ را باز گذاشتیم تا نظردوستان را بشنویم:

حیدر چابکسوار هیبت آبادی: ببیند بنده به عنوان کسی که یک شعرش در سال ۶۱ در مجله وزین گیهان بچه‌ها چاپ شده، نه تنها با معرفی صدرنشین لیگ به عنوان قهرمان این فصل مخالفم که اصلا با اعطای جایزه نوبل ادبیات تحت شرایط کرونا هم مخالفم. امسال برنده نوبل نداشته باشیم چی می‌شه؟ لاقل حق امثال من محفوظ خواهد بود. تا سال آینده در رقابتی سالم با موراکامی هاجو کوندرا اهارا رقابت کنم.

عرفان آتش به سر از مسئولان یک تیم لیگ برتری: به نظر من لیگ باید پایان یافته تلقی بشه. چی؟ تیم ما این طوری سقوط می‌کنه دسته پایین‌تر؟ نمی‌شه که. خب لیگ نیمه تمام اعلام بشه. کی بره آسیا؟ معلومه ما. اگه بازی‌های باقی مانده را ببریم، نه تنها سقوط نمی‌کنیم که در جدول لامی آییم و سهمیه آسیایی می‌گیریم پس حق ما است.

سیاوش شش‌پسند: بنده از طرفداران تیم صدرنشین ایران و اینتر میلان در ایتالیا هستم. به نظرم باید تیم صدرنشین را قهرمان لیگ برتر اعلام کنند. در ایتالیا چه؟ نخیر کی گفته یوونتوس باید قهرمان لیگ سری آ بشه؟ هر کشور شرایط خودش راداره.

مارال جبر دوست: در عقربه‌های ساعت، عدد شش جلوتر از چهار هست یا نه؟ خب حالا اگر باری ساعت را در بیاورند شش از چهار عقب می‌افتد؟ می‌شود گفت چهار قهرمان است؟ پاسخ همه چیز در ریاضیات نهفته است.

پانته آ بقراطی آموزگار: دوندای در کیلومتر چهل و دوم مسابقه دو ماراتن است و تنها ۲۰ متر با خط پایان فاصله دارد. رقیبش ۳ کیلومتر از او عقب‌تر است. به دلیل شرایط امنیتی مسابقه متوقف می‌شود. به نظر شما کدام گزینه صحیح است؟

الف. دوندای که ۳ کیلومتر عقب‌تر است به عنوان قهرمان معرفی شود.

ب. دوندای که به علت مصدومیت در مسابقه شرکت نکرده به عنوان قهرمان معرفی شود.

پ. بستکبالیستی که از دوندای با لباس زرد حمایت کرده به عنوان قهرمان ماراتن انتخاب شود.

ت. الفوب
اسفندیار هستم از توران. کارشناس مهندسی کردن ساختمان ولیگ: از نظر مهندسی وقتی اجرای بخشی از ساختمان ناقصه می‌گذارد، شرکت‌هایی که مایل به همکاری هستند قیمت می‌دهند. روزی که پاکت‌ها باز شود، قیمت‌ها را با هم مقایسه می‌کنند. شرکتی را که قیمتش خیلی از محدوده قیمت باقی شرکت‌ها فاصله دارد، حذف می‌کنند و برنده از بین بقیه شرکت‌ها انتخاب می‌شود که معمولا دومین قیمت است. اگر این موضوع را در لیگ ایران هم مهندسی کنیم، باید پرسید ولیس را که خیلی امتیاز بیشتری دارد و از محدوده امتیاز بقیه فاصله گرفته، از دور خارج کنیم. آن وقت تیم سوم برنده شود.

پیمان نصف‌جهانی: به نظرم نباید قهرمان اعلام بشه. ولی ما به عنوان تیم اول بریم لیگ قهرمانان آسیا چی؟ مسئولان فدراسیون دیگه تغییر کردن؟ عجب!

هنرمند ارجمند جناب آقای جواد علیزاده

در گذشت همسر گرامیتان را به شما تسلیت عرض کرده، برای آن مرحومه رحمت و مغفرت و برای بازماندگان، صبر جمیل و اجر جزیل از خداوند منان خواستاریم
گروه شهرنگ

تماشاخانه



نجف دریا بندری، مترجم پیرمرد و دریا در گذشت

شهرنگ

هاشمی طب: AFC به ما اعتماد ندارد
ومیزیانی جام ملت‌ها را به ایران نمی‌دهد
یک کارشناس: کافیه یه
بار اعتماد کنید تا ما کاری
کنیم دیگه به هیچ کس
اعتماد نکنید!

رئیس ای اف سی: بهوشب مسابقات بین‌التعطیلن می‌شه و ول می‌کنید می‌رید!
معاون ای اف سی: شما بدی هاتون رو پیدا خت کنید انگار جام جهانی رو برگزار کردید!
یک مسئول: با این همه وعده که به ای اف سی دادم می‌تونستم توی پنج تا انتخابات برنده شم!
یک مسئول دیگر: ما خودمونم علاقه نداریم میزبان شیم و باهاشون کاملاً موافقیم!
مردم: شما لیگ رو با نظم و ترتیب برگزار کنید، ما فکر می‌کنیم میزبانی رو گرفتید!
#باور-کنید-راسته #ما-خیلی-صادقیم-خیلییی #دیرباوری-دارند#شهرنگ

امسال مالیات بر خانه‌های خالی اجرائی خواهد شد

خانه‌های خالی:

نمی‌شه ادای پُرها رو در بیاریم!؟

یک دلال: مالیات که چیزی نیست، سقمش هم بریزه نمی‌ذارم مظنه بیاد پایین!
یک مسئول: ولی قبول کنید استثنائاً این راه پول گرفتن از تون راه معقولیه!
مستاجر: الان مالیات خالی بودن سال قبل رو هم از ما می‌گیرند!
یک شهروند: اجازه هم بدن من دیگه باید برم چادر زنم!
یک شهروند دیگر: از بقیه هم بگیرید، دریافت کنندگان ارز دولتی، بدهکاران بانکی...
#کار-خوب-هم-بلندن #اما-فرقی-به-حال-مستاجر-ندارد#شهرنگ

رینگ نقد

پلتفرم ... وقتی همه چیز روی هواست

«فلت پورم» فیلم بدی است. بله؟ فلت نبوده؟ پس چی بوده؟ حالا من یک بار پوستر فیلم را با دقت نخواندم باید به رویم بیایید؟ بله، عرض می‌کردم. «پلتفرم» فیلم بدی است. ماقبل بد. اصلا به بد بدهکار است. خدا و کیلی صد تومن به بد بدهکار است. الکن، اگروتیک، سمبولیک، استاتیک و اسپوتنیک. فیلم با صحنه آشنیخانه شروع می‌شود. به جرأت یکی از عقب‌افتاده‌ترین آشنیخانه‌هایی است که دیده‌ام. نه آشنیخانه برای ما می‌سازد، نه آشنی، نه کابینت، نه سینک ظرفشویی، نه اسکاچ. پرتقال‌ها به شدت دکوراتیونند. هر چند پرتقال آخری که قل می‌خورد یک سرو کردن از بقیه بازیگران بالاتر است.

فیلمساز در این فیلم دنبال چیست؟ من پاسخ می‌دهم. فیلمساز ما به

اصطلاح خودش توی گیومه از تضاد طبقاتی می‌گوید. آن هم با سکویی که مدام بالا پایین می‌رود. سکو به کل روی هواست، مثل فیلم که روی هواست. سکو نه به پایین وصل است، نه به بالا. مگر کارتون وروجک و آقای نجار است که به صورت نامرئی حرکت کند؟ البته که وروجک فیلم جلوتری است. یک پلان وروجک می‌ارزد به تمام سینمای ۲۰۱۹ جهان.

در فیلم گفته می‌شود شخصیت اول به خاطر ترک سیگار وارد این ناکجا آباد شده. این حرف شوخی است. برای ترک سیگار می‌روند مرکز ترک اعتیاد. بسته می‌خورند. سیگار الکتریک می‌کشند. ترک سیگار، سکو نمی‌خواهد. اصلا چرا می‌خواهد سیگار را ترک کند. آیا هر بار خانه می‌آید باپایش بهش گیر می‌دهد؟ فیلم هیچ پاسخی به ما نمی‌دهد. برای باور کردن سیگار، فیلمساز ما، اول باید برای ما بابا می‌ساخت، بعد بچه ساخته می‌شد. سپس دعوی بابا و بچه می‌دیدیم

و آن‌گاه تصمیم برای ترک سیگار. ما حتی نمی‌دانیم سیگار چیست؟ بهمن کوچک؟ مگنا قرمز؟ مارلبوری فیلتر پلاس؟ حتما فرق می‌کند. فیلتر پلاس که ترک کردن ندارد. بدتر اینکه فیلم ادعای گراف نمادگرایی دارد. یک جای فیلم شخصیت به سمت پایین تف می‌اندازد. انتلکت‌ها می‌گویند این تف نماد است. از نظر من تف اصلا در نیامده. اگر تف درست می‌خواهد تف‌های جان فورد را تماشا کنید. تف‌هایی واقعی، انسانی، بی‌ادا و از اعماق ریه. من فکر می‌کنم این تف بازیگر نیست. تف فیلمساز است. فیلمساز وقیح ما رسماً تف می‌اندازد. آن هم رو به پایین که به کل میزانشن صحنه اشتباه است. به نظر من اگر تفی هم بود باید به سمت بالا می‌بود. اساسا کل فیلم تف سربالاست. اساسا برای خودم متاسفم که اینجا نشسته‌ام. من بروم سیگار بکشم. لعنتی حوصله سیگار را هم ندارم. باید ترک کنم. اصلا درس لوکیشن این پلتفرم بی صاحب چه بود؟

پرند- سعادت‌آباد

اختلاف نظر

کند. البته بنده نقطه نظر نام راجع به سریال ستایش را برای خود شبکه آی فیلم هم فرستاده‌ام و آنها هم مثل همیشه به بنده لطف کرده و نظراتم را زیر نویس کرده‌اند. اما به نظر همسر آدم خوارم ستایش در فصل سه از ستایش در فصل یک بهتر است، چون ستایش در فصل سه تپل‌تر از فصل یک است و می‌توان با او باقالی پلو با گوشت درست کرد، به هر ترتیب بین هر زن و شوهری یک‌سری اختلافات وجود دارد که حل نشده باقی می‌مانند. برخلاف ما در سعادت‌آباد، همسرم در پرند به هیچ وجه تلویزیون نگاه نمی‌کند.

او اصلا تلویزیون ندارد که بخواهد نگاه کند، اما فکر می‌کند آدم‌های سطح پایین و امل تلویزیون نگاه می‌کنند. ما در پرند یک یخچال داریم که تویش محمد صالح علا چهارزانو دست به سینه نشسته است، هر بار در یخچال را می‌بندیم، تاختی شعر می‌خواند و هر بار در یخچال را می‌بندیم، تاختی شعر نمی‌خواند. البته یک پستی هم داریم که همسرم به آن تکیه می‌دهد. بقیه خانه خالی است.

من بعضی وقت‌ها که می‌توانم به پرند بروم برای او با دهان قطعاتی از موتزارت، باخ و شوپن را اجرا می‌کنم. او از شنیدن قطعات شبانه شوپن به شدت احساساتی می‌شود و گریه می‌کند. من هر کار می‌کنم گریه‌ام نمی‌گیرد تا با او همدردی کنم، ولی تا جایی که بتوانم او را دل‌داری می‌دهم و می‌گویم اوضاع حتما بهتر می‌شود. او می‌پرسد کی؟ صدای صالح‌علا از درون یخچال شنیده می‌شود که می‌گوید «وقت کل نی» هیچ‌کدام خنده‌مان نمی‌گیرد. من با همسرم خدا حافظ می‌کنم، به لب جاده می‌آیم، به امید مینی بوسی که به سعادت‌آباد می‌رود.

همسر اولم در مسکن مهر پرند علاقه زیادی به شنیدن آثار کلاسیک به خصوص قطعات شبانه شوپن دارد؛ همسر

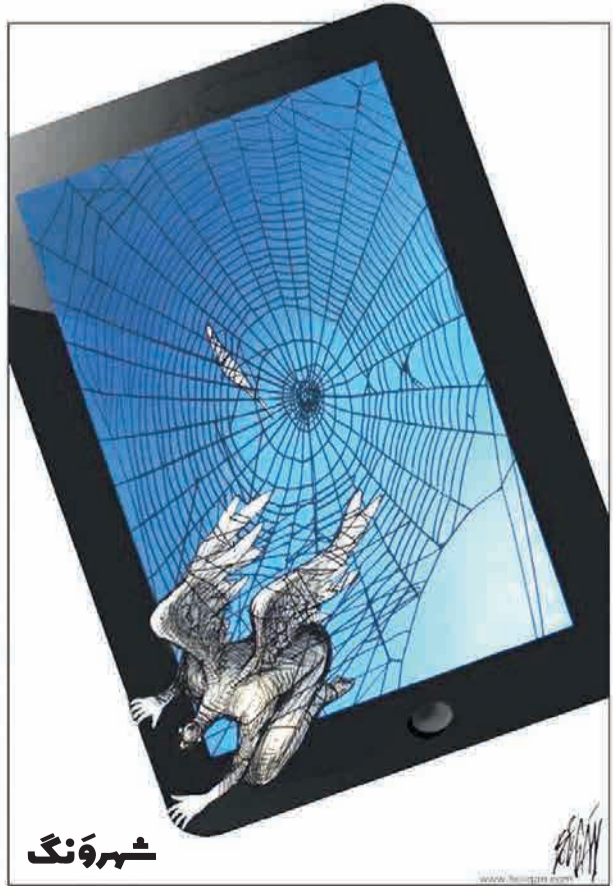


علی اکبر محمدحاجانی
طنز نویس

آدم خوارم در سعادت‌آباد اما به هیچ وجه با آثار کلاسیک و مخصوصا آثار شوپن ارتباط برقرار نمی‌کند. به نظر او شوپن بی‌اندازه ریغونه و استخوانی است و اگر آشغال‌هایش را دور بریزی، کلا دو بسته خورشتی و یک بسته آگوشتی بیشتر به آدم نمی‌دهد. به نظر او شوپن چربی‌اش کم است و برای چرخ‌کرده‌اش مجبوری دمیه استفاده کنی، کله‌پاچه‌اش هم دونفر را سیر نمی‌کند؛ او در عوض به موسیقی ایرانی علاقه زیادی دارد. خواننده مورد علاقه او اکبر عابدی است. وقتی اکبر عابدی با آن غیغ‌ها و آن کاکل روغن زده‌اش می‌خواند «ایران فدای اشک و خنده تو، دل پر و تپنده تو، فدای حسرت و امیدت...» همسرم رعشه می‌گیرد و آب در لب و لوجه‌اش جاری می‌شود و به من حمله می‌کند و توی شکمم مشت می‌زند و مرا گاز می‌گیرد. البته همه این کارهای او از سر علاقه و محبت به ایران و شخص بنده است و می‌دانم که نیت بدی ندارد. او تلویزیون را هم خیلی دوست دارد و از آن آی فیلمی‌های دو آتشه است که صبح تا شب تکرار سریال ستایش را نگاه می‌کنند. او در مورد سریال ستایش با من اختلاف نظر جزئی دارد.

به نظر من ستایش از همان فصل یک باید با پدرشوهرش حشمت فردوس به گفت‌وگو می‌نشست و او را متقاعد می‌کرد که بچه‌ها را او نگه دارد، نه اینکه مثل بچه‌ها با او یکی به دو

شهر فرنگ



شهرنگ

انالله و انا الیه راجعون

در گذشت همسر گرامیتان را به شما تسلیت عرض کرده، برای آن مرحومه رحمت و مغفرت و برای بازماندگان، صبر جمیل و اجر جزیل از خداوند منان خواستاریم
گروه شهرنگ